



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۱۴

د ص سعیدی

دلک های خود خوانده، حل نیستند

این دلک های عصر خفته و خود خوانده، مانند پسر رضا شاه در ایران، و اکثریت افراد و دلک های خارج نشین، که به زور امریکا و منابع خارجی در کشورهای مختلف جهان خیال تخت نشینی و اکت تخت نشینی در کشور های خود را دارند، خطا میکنند، راه حل و حل معضل و مشکل نیستند ولی خود مشکل و معضل قضایا شده و به خواست و اراده بر حق ملت ضرر رسانیده و با ادامه لجابت شان، ضرر به خواست و اراده برحق ملت را تعمیق بخشیده و میبخشند!

سوء استفاده و تبلیغ علیه ارزشهای برحق دینی ملت و مردم و من ملت، بحث کنتررا پرودکتیف و دارای نتایج معکوس دیگری است که عده (مخالفین) با استفاده ازین حالت آگاهانه و یا کودنانه به امر برحق ملت برای سهم گیری در سرنوشت، در مورد کشور خود سخت ضرر میرسانند (بحث مستقل میطلبد).

کسانیکه مانند زمان یکه تازی امریکا در جهان (سالهای ۹۰ قرن گذشته) و از جمله مانند بن اول در کشور افغانستان و یا حالا در ایران یا نصب و امپورت شدند و یا میخوانند، نصب شوند، حالا دیگر این نسخه غیر عملی و ممکن نیست و نه آن تجارب ضایع کننده خون و خزانه ملت شان، نتایج درست داشت و نه خواهد و نه هم داشته میتواند! پسر رضا شاه نیز مانند گاو پیر و عصر خفته، مزه ای کنجاره خواب میدید و میبینند!

اگر ازین آقاییون و از ایشان پرسیده شود و یا خود از خود بپرسند که: به کدام مشروعیت چنین ادعا و حق نصب در رأس یک کشور و ی ملت و یک حاکمیت دارند؟!

آنهاییکه نسخه های اواخر سالهای ۱۹۸۰ را در اروپای شرقی عملی کردند و با تمویل مظاهرات و چکچک، نظام های در واقعیت از داخل پوسیده، را سقوط دادند، یک تفاوت!!! را نه فهمیده اند:

در آن وقت آن حاکمیت های غیر دینی، خود از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اخلاقی فرسوده شده بودند!

ایران عقیده و دین را با خود دارد و مخالفین (دست اول در تماس با استخبارات خارجی) اکثر در تضاد آن اندو خود عوض ملت سالاری، خود سالاری، پیشه کرده و در گفتار، کردار و اکت های شان این حالت کاملاً محسوس است! شاه و خانواده اش را مردم ایران راندن، و اگر حال ملت تغییر میخواد، تغییر ملت سالار میخوانند، و دلک (اولاد حرامی) به نام شاه (سایر همچو شهزاد ها)، اراده ملت و ملت ایران را تمثیل نمی کنند!

قصه های حیوانات و انسانها اکثر ساختگی، ولی برای افتاده بخش از مفاهیم، بسیار عالی اند، تا به کار گرفته شوند. از کسی پرسیدند که اگر خرگوش را گرگ تعقیب میدارد، تا به چنگال آورد، گرگ زیاد تلاش میکند و یا خرگوش؟ در اول، جواب مباشر وجود نداشت و بعد از مکث گفت: گرگ!

پرسنده جواب داد: گرگ نه بلکی خرگوش! توضیح داد که گرگ به عقب و به گرفتن خرگوش غم یک وقت نان دارد ولی خرگوش، به فکر حیات و زندگی و در تنازع للبقا است! لذا خرگوش با تمام جان تلاش میکند، تا زندگی خود را نجات دهد! حال حاکمیت موجود ایران جای و محل فرار ندارد! لذا مقابله مقابله وی با نتانیا هو و ترام، تلاش برای مرگ و زندگی است و جانب آمریکا و اسرائیل محلات دیگر برای بستن و کشتن نیز هم دارند!

عین مسئله در حالت امروز حاکمیت طالب در افغانستان نیز هست که طالب دیگر پناه گاه در عالم اسباب در پاکستان و کشور دیگر، نه خواهد داشت و اگر جنرالان پاکستانی برای کسب دالر میجنگند، حاکمیت طالب برای بقا و عدم وجود محل فرار در عالم اسباب میجنگند! اصل جهاد و بحث جهادی و ادای رسالت در جایش!

مخالفین حاکمیت طالب تا حال الترناتیف ملت سالار پیشکش نه کرده و کل کار شان، حتی دست التماس و سخت خاینانه، به زیر دامن بردن، دشمن تاریخی، به نام حاکمیت موجود غیر پاکستان، برده اند، تا به هر قیمت به قدرت باز گردند!

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

ملت افغان تغیر میخوهد، ولی از بازگشت قاتلین و جانیان و دزدان سر گردنه، و حاکمیت مشارکت استخباراتی ، نفرت دارند! این دزدان سرگردنه خود نیر در وقت تسلط در افغانستان کدام خدمت برای مردم نه کرده، چور، چپال ، تصفیه های قومی و زبانی، جزیه گیری از حکام فراشوتی، را پیشه داشتند و در شهر ها به تلفون دزدی ها، اخاذی ها، رشوه، تجاوز ، چور معادن، اختلاس های بزرگ، بانکها و بنادر کشور ، اختطاف وقانون شکنی مصروف بودند. انجام ترور های سیاسی در برابر پول و قتل های اجرتی با تعصبات قومی و زبانی پرداخته و رفته، علیه وحدت و یکپارچگی ملت و کشور ما کار کرده اند!

و ها خواستن معذرت از تخلفات در قاموس سیاسی حد اکثر، حق سربازی شان در تلافی خطا ها و حد اکثر فرصت در ترمیم حداقل تخلفات شان، اگر قابل تلافی باشد، فرصت میدهد، ولی دیگر به هیچ صورت حق رهبری و زعامت را در تعاملات با استخبارات اجنبی و دشمن ندارد!

افغانستان لابراتوار و مردم ما خرگوش های لابراتوار این خاینی افراد نیست! لذا بدون افراط و تفریط و بدون فهم تناقض گویی از تاکیدات من ، بر ملت افغان و نیرو های سالم است تا بدون سیاست نفی، بلی بدون سیاست نفی از بالا، فرصت ملت سالاری را توافق و آماده کرده و هیچ کس از جامعه را به شمول آنکه من در بالا مشخص ساختم، در سرنوشت کشور خویش با پیشداوری مستند ویا غیر مستند (من قاضی)با محروم نه ساخته و به سیستم و میکانیزم ملت سالار تمرکز نموده و در عالم اسباب ادای رسالت کنند! بگذار ملت فرصت شنیدن همه جوانب را پیدا کند، و خود قوت و تصمیم بگیرد!

روش های حل قومی و زبانی و اتکا به استخبارات خارجی و میراثی، راه حل نبود و نه شده میتواند! این پروسه و این راه حل راه و سر قیر ۱۰۰ در ساعت نبود و نیست! مشکلات خود را در جوامع دیگر داشت ما نیز خواهیم داشت. این افکار قورت کردن خط کش نیست! خلا ها و کمبودی خود را دارد! اما با قوانین خوب و مدرن این خلا ها به حد اقل رسیده میتوانند!

براین اصول و براین قواعد و اصل یک شهروند و یک رأی و با جمع و جور شدن و تدویر لویه جرگه(نه تاریخی، نه عنعنوی و نه هم مشورتی) ، بلکی لویه جرگه از سر تعریف شده و مشخص مانند سر نخ و آغاز کار درین راستا همه با هم مشترک راه نجات را ، راه توافقات ابتدایی را ، بدون پیمودن راه های کوتاه، بلکی در یک پروسه مرحله به مرحله، حد اکثر در سه سال با تسوید قانون اساسی در چوکات هدایات مقدماتی لویه جرگه، در دوسال و انتخابات در اوایل سال سوم (ان شاء الله) به خروج از بحران دست یافته و در ین عرصه ادای رسالت کرده میتوانیم.

مدافعان منافع ملی افغانستان، مانند یک حرکت ملی، غیر حزبی درین عرصه قدم های مقدماتی خوبی برداشته است!

و من الله التوفیق

داکتر ص سعیدی

۲۲۶/۴/۱۱

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸